

مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی اهل بیت علیهم‌السلام

- غلامحسین زینلی
- محقق و نویسنده

چکیده

خداوند در قرآن، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از هر گونه آلودگی منزّه دانسته و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز آنان را همتای کتاب خدا معرفی کرده است. نقش اهل بیت علیهم‌السلام در هدایت و وحدت اسلامی، ضرورت شناخت مصداق اهل بیت علیهم‌السلام را بیشتر روشن می‌کند. اینکه اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند، تردیدی نیست، ولی برخی قائل‌اند که افراد دیگری نیز جزو آنها به شمار می‌آیند.

قرائن درونی و بیرونی آیه تطهیر و همچنین گفتار و رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلیل بر این است که اهل بیت فقط بر آن پنج نفر و نه فرزند امام حسین تا امام مهدی علیه‌السلام اطلاق می‌شود.

کلید واژگان: اهل بیت، قرآن، حدیث، مصداق، حدیث ثقلین، آیه تطهیر.

ضرورت شناخت اهل بیت علیهم السلام

شاید برخی چنین تصوّر کنند که گفت‌وگو پیرامون «اهل بیت علیهم السلام» و تلاش برای شناختن و شناساندن آنان، مسئله‌ای قدیمی است و در عصر حاضر، اثری بر آن مترتب نیست، در حالی که اگر به کلام خداوند و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه کنیم و در آن بیندیشیم، به وضوح می‌یابیم که مطالعه و پژوهش پیرامون این مسئله و شناخت مفهوم و مصادیق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای امت اسلامی، امری کاملاً حیاتی است. خداوند در قرآن کریم، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از هرگونه آلودگی، پاک و منزّه دانسته^۱ و محبت و دوستی آنان را به عنوان مزد رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بر همه مسلمانان فرض دانسته است.^۲

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز که سخن ایشان مؤید به کلام خداوند است،^۳ در حدیث متواتر «ثقلین» با بیان جمله «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، كِتَابُ اللَّهِ وَ عَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي...» (ترمذی، ۳۲۹/۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۸/۳؛ ابن حنبل، ۱۷/۳؛ طبرانی، ۱۹۰/۵ و ۲۰۵) اهل بیت را همتای کتاب خدا به شمار آورده و استمرار هدایت امت اسلامی را پس از خود، تنها در پرتو تمسک به قرآن و عترت، میسر دانسته است و اعلام داشته که این دو، همیشه با هم‌اند و هیچ‌گاه از یکدیگر، جدا نخواهند شد: «... و لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ...» (همان).

آن حضرت، در حدیث «سفینه»، اهل بیت علیهم السلام را به کشتی نوح تشبیه کرده و نجات امت اسلامی را تنها در گرو تمسک به کشتی هدایت آنان، ممکن دانسته است.^۴ آری، تأمل در کلام خداوند و سخنان رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و نقش اهل بیت علیهم السلام

۱. «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند (حزاب / ۳۳).
۲. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشاوندانم» (شوری / ۲۳).
۳. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم / ۳ و ۴).
۴. ابوذر غفاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فَيْكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (حاکم نیشابوری، ۳۴۳/۲؛ هیثمی، ۲۶۵/۹؛ خطیب بغدادی، ۹۱/۱۲؛ ابونعیم، ۳۰۶/۴؛ سیوطی، الدر المنثور، ۴۳۴/۴).

در هدایت و وحدت امت اسلامی، ضرورت شناخت مصادیق اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را بیش از پیش روشن می‌سازد. چنین تأملی، هر فرد مسلمان متعهدی را وامی‌دارد تا به درستی، این اسوه‌های طهارت و پاکی را بشناسد و آنان را الگوی زندگی خویش قرار دهد و در جهان پر حادثه کنونی، بر کشتی نجات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام سوار شده و خود را به ساحل نجات رساند. این، همان حقیقتی است که پیشوای مذهب شافعی نیز در سروده خود به آن اشاره دارد و می‌گوید:

و لَمَّا رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَ بِهِمْ مَذَاهِبُهُمْ فِي أُبْحُرِ الْغَيِّ وَالْجَهْلِ
رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سَفْنِ النِّجَاةِ وَهُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ الرُّسُلِ
(شافعی، ۳۳۴)

یعنی: هنگامی که دیدم مذاهب گوناگون، مردم را به دریا‌های جهل و گمراهی سوق داده است، با نام خدا بر کشتیهای نجات اهل بیت مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، خاتم پیامبران، سوار شدم.

پس چنان نیست که این مسئله، متعلق به روزگاران گذشته باشد، بلکه همان گونه که تدبیر در قرآن و پیروی از کتاب الهی، مسئله‌ای نو و مورد نیاز است، شناخت و پیروی از همتای قرآن، یعنی اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز مسئله‌ای تازه و مورد نیاز است.

مراد از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

مقصود از اهل بیت در بحث حاضر، معنای لغوی آن، یعنی همه بستگان و همسر و فرزندان شخص نیست، بلکه مقصود، معنای اصطلاحی آن است که قرآن کریم، در آیه تطهیر، آن را درباره اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به کار برده است (حزاب/ ۳۳).

مصادیق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در نظر مفسران

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، عبارت «اهل بیت» را در اهل بیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ استعمال کرده‌اند. این مسئله به گونه‌ای شهرت یافته که اراده معنای دیگری از آن، نیازمند به قرینه است (قریشی، ۱۳۷/۱)؛ با این وجود، شماری از مفسران اهل سنت در این مسئله تشکیک کرده و ضمن پذیرفتن اهل بیت

پیامبر ﷺ (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) به عنوان مصادیق آیه، افراد دیگری را نیز جزء مصادیق اهل بیت دانسته‌اند. اهمّ اقوال آنان چنین است:

۱. گروهی، به جز علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، همسران پیامبر ﷺ را نیز از اهل بیت دانسته‌اند (ابن عساکر، ۲۰۸/۴-۲۰۹؛ رازی، ۲۰۹/۲۵؛ شوکانی، ۲۰۸/۴؛ قرطبی، ۱۸۳/۱۴).

۲. برخی مصداق اهل بیت را خود پیامبر ﷺ و همسران آن حضرت دانسته‌اند (ابن عساکر، ۲۰۹/۴).

۳. برخی معتقدند منظور از اهل بیت، تنها زنان پیامبرند. این قول را عکرمه به سعید بن جبیر و ابن عباس نسبت داده است (سیوطی، الدرّ المنثور، ۶۰۲/۶؛ شوکانی، ۲۷۸/۴).

۴. برخی معتقدند مصادیق اهل بیت، همه بنی هاشم‌اند؛ یعنی آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس. این قول از زید بن ارقم نقل شده است (طبرانی، ۱۸۲/۵؛ سیوطی، الدرّ المنثور، ۶۰۵/۶؛ شوکانی، ۲۸۰/۴؛ قرطبی، ۱۸۳/۱۴).

۵. عقیده بسیاری از مفسران بر این است که منظور از اهل بیت علیهم السلام، پیامبر اکرم ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. این قول را برخی از همسران رسول خدا ﷺ، مانند ام سلمه، عایشه و زینب و جمع زیادی از صحابه، مانند سعد ابن ابی وقاص، ابوسعید خدری، واثله بن اسقع، ابن عباس، علی بن ابی طالب، حسن ابن علی، جعفر بن ابی طالب، جابر بن عبدالله، عمر بن ابی سلمه، براء بن عاذب و ثویان، غلام رسول خدا، نقل کرده‌اند (حاکم حسکانی، ۳۰-۲۶/۲، ۳۵-۳۳، ۴۱-۳۸، ۴۳ و ۵۰؛ ابن کثیر، ۴۹۲/۳-۴۹۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۶/۳، ۱۴۷ و ۱۵۰؛ سیوطی، الدرّ المنثور، ۶۰۳/۶-۶۰۵؛ طبری، ۷/۲۲ و ۸؛ ذهبی، ۱۴۷/۳؛ بیهقی، ۶۳/۷؛ طحاوی، ۳۳۲/۱ و ۳۳۴؛ ابن حنبل، ۳۹۱/۱، ۴۵/۶، ۱۷۷/۱۰ و ۱۹۷؛ مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب ۴ و کتاب فضائل اهل بیت النبی ﷺ، باب ۹؛ ترمذی، کتاب مناقب، باب ۲۱ و ۳۲؛ جوینی، ۱۵/۲، ۱۸ و ۲۲).

در پاره‌ای از روایات، افزون بر افراد یادشده، در ذیل قول پنجم، از سایر امامان شیعه هم نام برده شده است (موحد ابطحی، ج ۱ و ۲). شیعه امامیه، بر اینکه آیه تطهیر همه امامان را نیز شامل می‌شود، اتفاق نظر دارند (طبرسی، ۳۷۲).

حال باید دید، آیه شریفه، شامل چه کسانی است و چه کسانی از دایره شمول آیه خارج‌اند. برای بررسی این مسئله، از قرائن درونی و برونی آیه مورد نظر، مدد می‌جوییم.

قرائن درونی شمول آیه تطهیر بر اهل بیت علیهم السلام

۱. کسانی که همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مشمول آیه می دانند، به این نکته تمسک کرده اند که جملات پیش و پس از آیه تطهیر، همگی درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، اما باید توجه داشت که مسئله یادشده نه تنها دلالتی بر شمول آیه نسبت به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد، بلکه خود قرینه روشنی است بر اینکه مخاطب آیه تطهیر، کسانی غیر از همسران پیامبرند؛ چرا که در جملات پیش و پس از آیه، تمامی ضمایر به صورت مؤنث آمده (کنتن، أمتعکن، أَسْرَحکن، تردن، لستن، اتقینن، فی بیوتکن)، در حالی که در آیه تطهیر، جهت خطاب تغییر کرده و ضمایر آن، به صورت مذکر (عنکم، یطهّرکم) آمده است. این امر، به روشنی دلالت دارد بر اینکه مصادیق آیه، کسانی غیر از همسران پیامبرند.

۲. لسان آیه تطهیر، لسان مدح و ستایش است و از مقام بلند اهل بیت علیهم السلام حکایت دارد، در حالی که لسان آیه های مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لسان پرهیز دادن و ترساندن است؛ از این رو، هر گز نمی توان هر دو لسان را مربوط به یک گروه دانست.

۳. مفاد آیه تطهیر، اعطای نوعی مصوئیت از گناه و لغزش، و عصمت دارندگان مقام تطهیر است، در حالی که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اتفاق مسلمانان، مصون و معصوم از خطا و گناه نبوده اند.

۴. منظور از «اراده» در آیه شریفه تطهیر اراده تکوینی است. با توجه به این نکته، می توان پرسید: آیا مراد از زدودن پلیدی از اهل بیت علیهم السلام در آیه شریفه، دور ساختن و دفع پلیدی است (یعنی اینکه آنها از آغاز هیچ گونه پلیدی نداشته اند) یا برداشتن و رفع آن است (یعنی آلودگی بوده، اما خداوند آن را برطرف کرده است).

اگر فرض نخست منظور باشد، در این صورت، تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا دست کم بیشتر آنان، پیش از اسلام در پلیدی (شرک و کفر) بوده اند؛ در نتیجه، از حکم آیه خارج اند. اگر فرض دوم (برداشتن پلیدی) منظور باشد، چاره ای نداریم جز آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از حکم آیه خارج بدانیم؛ زیرا در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، هیچ گونه پلیدی وجود نداشته است، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طور قطع، در حکم آیه داخل است. پس فرض نخست، ثابت و فرض دوم، منتفی می گردد و زنان



پیامبر ﷺ به طور قطع، از حکم آیه خارج می گردند (طبرسی، ۳۷۲).

۵. مقصود از اهل بیت ﷺ در آیه تطهیر، اهل بیت پیامبرند که منحصرأ ساکن یک خانه بوده اند، یعنی فاطمه، امیرالمؤمنین و دو فرزندشان حسن و حسین ﷺ. اینکه به نظر برخی مقصود آیه، همسران رسول خدا ﷺ است، درست نیست؛ چون خانه های همسران آن حضرت، یک خانه نبود، بلکه خانه های آنان، متعدّد بوده که در آن ساکن بوده اند. دلیل این مطلب، سخن خداوند در صدر آیه تطهیر است که می گوید: ﴿وَقَرْنِ فِي بَيْوتِكُنَّ﴾ (حزاب/ ۳۳) که خطاب، متوجّه کسانی است که در خانه های پیامبر ﷺ می زیسته اند.

قرائن برونی شمول آیه تطهیر بر اهل بیت ﷺ

افزون بر قرائن درونی آیه، قرائن برونی دیگری نیز وجود دارد که همسران پیامبر ﷺ را از شمول آیه تطهیر خارج می سازد. این قرائن را در ذیل پی می گیریم:

۱. بی گمان، خداوند در آیه تطهیر، مقام بزرگی را برای اهل بیت ﷺ ثابت کرده و آن را به همه مسلمانان اعلام داشته است. حال، چگونه می توان تصوّر کرد که همسران پیامبر ﷺ به چنین مقام ارجمندی رسیده باشند، اما از وجود چنین فضیلتی برای خود غافل باشند، تا آنجا که هیچ یک از آنان، حتی برای یک بار، چنین فضیلتی را برای خود یادآور نشده و دیگران را نیز بدان توجّه نداده است؟! نه تنها در تاریخ چنین فضیلتی از آنان نقل نشده، بلکه از قول خود آنان نقل شده که گفته اند: آیه تطهیر در حقّ غیر ایشان (یعنی خمسۀ طیّبه) نازل شده است.

۲. محدّثان شیعه و اهل سنت، در شأن نزول آیه تطهیر، روایات متواتری را از پیامبر ﷺ نقل کرده اند. این روایات، پیامبر اکرم ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را مصادیق اهل بیت ﷺ معرفی می کند.

به نظر می رسد بهترین راه برای تعیین دقیق مصادیق اهل بیت، مراجعه به روایاتی است که از قول خود پیامبر ﷺ، در تفسیر آیه شریفه صادر شده است.

آری، چگونه می توان باور کرد که رسول خدا ﷺ در حدیث ثقلین، سفینه، امان و...، تمسّک به اهل بیت ﷺ را مایه سعادت دنیا و آخرت امت اعلام کند، اما

آنان را معرفی نکند و مصادیق اهل بیت را در هاله‌ای از ابهام باقی گذارد؟! حقیقت آن است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مواضع متعدّد، از جمله در اجتماع باشکوه صحابه، اهل بیت علیهم السلام را معرفی کرده است تا هیچ عذر و بهانه‌ای برای هیچ کس باقی نماند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان یگانه کسی که بی هیچ اختلافی، صلاحیت تفسیر قرآن و بیان معانی پنهان آن را داراست^۱ و به تصریح قرآن کریم، هیچ گاه از خود سخنی نمی گوید و گفتارش برخاسته از وحی الهی است،^۲ در تعیین مراد آیه تطهیر و بیان مصادیق آن، دو شیوه مؤثر برگزیده است:

الف) شیوه بیان گفتاری؛

ب) شیوه بیان رفتاری.

الف) مصادیق آیه تطهیر در بیان گفتاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از نزول آیه تطهیر، پارچه‌ای به دست مبارک خویش گرفت و علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را به زیر آن بُرد و سپس فرمود:

«اللهم هؤلاء أهل بيتي وهؤلاء أهلي وعترتي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا» (حاکم حسکانی، ۳۴/۲، ۳۸، ۴۳، ۴۴ و ۵۰؛ ابن کثیر، ۴۹۲/۳ و ۴۹۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۶/۳ و ۱۵۰؛ طحطاوی، ۳۳۴/۱؛ طبری، ۷/۲۲ و ۸ ابن حنبل، ۱۷۷/۱۰)؛ پروردگارا! اینان اهل بیت من و اهل و خاندان من‌اند. هرگونه آلودگی را از آنان دور کن و کاملاً پاکشان گردان.

شمار این روایات که نزد شیعه و سنی به «حدیث کساء» شهرت یافته، به دهها عدد بالغ می‌شود و جمع کثیری از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را نقل کرده‌اند. ام سلمه همسر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که طبق نقل بیشتر روایات، این جریان در خانه او روی داده، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقاضا می‌کند تا اجازه دهند او نیز به جمع اصحاب کسا پیوندد و از این فیض بزرگ بهره‌مند شود، اما رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از پیوستن او به جمع اصحاب کسا مانع شده، با تعابیر محبت آمیزی از او دلجویی می‌کنند؛

۱. «و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم» (نحل / ۴۴).

۲. «و ما ينطق عن الهوى، إن هو إلا وحى يوحى» (تجم / ۳ و ۴).

تعبیری چون: «یرحمک الله، أنت علی مکانک و أنت علی خیر و إلی خیر، و إنک من أزواج النبی...» (همان).

غیر از ام سلمه، همسران دیگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچون عایشه (همان) و زینب (جوینی، ۱۸/۲) نیز عین ماجرای مذکور را نقل کرده و تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر دربارهٔ خسته طیبه نازل شده است.

غیر از همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شمار زیادی از بزرگان صحابه^۱ نیز تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر دربارهٔ خسته طیبه نازل شده است.

ب) مصادیق آیه تطهیر در بیان رفتاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روش دیگری که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تعیین مراد از آیه تطهیر و بیان مصادیق آن برگزیدند، شیوه‌ای ابتکاری و فراموش نشدنی در مدت زمانی نسبتاً طولانی، در معرفی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بود؛ بدین سان که سیده‌دم، هنگامی که برای اقامهٔ نماز صبح از خانه خارج می‌شدند، به در خانهٔ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می‌رفت و می‌فرمود:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته أهل البيت ﴿إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البيت و یطهرکم تطهیراً﴾ الصلاة رحمکم الله؛ درود، رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد. «خداوند اراده کرد تا هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و کاملاً پاکتان سازد» [وقت] نماز [است، مهیا شوید] رحمت خدا بر شما باد.

مدت این روش رفتاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ابوسعید خدری، چهل روز (حاکم حسکانی، ۴۴/۲، ح ۶۶۵؛ سیوطی، الدر المنثور، ۶/۶۰۶)، انس بن مالک، شش ماه (ابن کثیر، ۳/۴۹۲؛ حاکم حسکانی، ۱۸/۲، ۲۱، ۲۲ و ۲۵)، ابو حمراء، شش و در نقلی هفت یا هشت ماه (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۶۰۶ و ۶۰۷؛ ابن کثیر، ۳/۴۹۲)، و ابن عباس، نه ماه (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۶۰۶) اعلام داشته‌اند.

به نظر می‌رسد علت اختلاف در مدت زمان مذکور، آن است که هر یک از روایان، تنها مدتی که خود شاهد آن بوده، روایت کرده است؛ بنابراین، ناسازگاری در نقلهای یاد شده مطرح نیست.

۱. اسامی آنان و منابعی که سخنان آنها در آن ثبت شده، بیشتر گذشت.

همان گونه که گذشت، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از همان آغاز نزول آیه تطهیر با تعیین مصادیق اهل بیت، راه هرگونه تفسیر ناروا را در این باره بستند. این اقدام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ موجب شده است تا جز معدودی که نظرشان وزنی ندارد، کسی در اختصاص این آیه به پنج تن تردید نکند.

اشتمال آیه تطهیر بر سایر امامان شیعه

چنان که پیشتر گذشت، کاربرد واژه «اهل بیت» در روزگار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در میان امت اسلامی به طور ویژه برای خاندان پاک آن حضرت بود؛ به گونه‌ای که هرگاه این واژه بدون پسوند به کار می‌رفت، همگان از آن، مصادیقی جز خاندان پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نمی‌فهمیدند و عنوان «اهل بیت»، معرف خاندان پاک آن حضرت بوده است (راغب، ۶۴).

بی‌گمان، این مسئله به تبعیت از شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و به سبب تأکید فراوانی بود که آن حضرت درباره افرادی خاص با عنوان «اهل بیت» به کار می‌برد. در واقع، مصادیق «اهل بیت»، همان کسانی بودند که از سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با عناوین دیگری همچون، «عترت»، «اصحاب کسا»، «آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» و... به امت اسلامی معرفی گردیدند.

حال، می‌گوییم، مصادیق اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، بیش از افراد یاد شده است و اطلاق واژه «اهل بیت» بر افراد یاد شده، از باب حصر نیست؛ به گونه‌ای که واژه «اهل بیت» به افراد مذکور اختصاص داشته باشد و سایر امامان شیعه را شامل نشود، بلکه جریان حدیث کسا، از قبیل تطبیق آیه تطهیر بر افراد موجود از اهل بیت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بوده است، نه حصر در آنها؛ در غیر این صورت، به عقیده دانشمندان امامیه و جمع کثیری از دانشمندان اهل سنت، همه امامان امامیه جزء اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به شمار می‌آیند. این مطلب از روایاتی که در معرفی اهل بیت نقل شده، به خوبی استفاده می‌شود؛ برای مثال، طبق برخی از روایات، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در شب ازدواج علی و فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَام آیه تطهیر را تلاوت کرد و پس از ازدواج آنان تا چهل روز پیوسته به در خانه آنها می‌آمد و می‌فرمود:

السلام عليكم أهل البيت و رحمة الله و بركاته. الصلاة رحمکم الله، ﴿إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً﴾ أنا حرب لمن حاربتم، أنا سلم لمن سالمتم (سيوطی، الدرّ المنثور، ۶/۶: ۶۰۶، هیثمی، ۹/۲۶۷).

همچنین دانشمندان شیعه و اهل سنت پذیرفته‌اند که امام مهدی علیه السلام که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و با برچیدن بساط ظلم، حکومتی جهانی بر اساس عدل و داد بنا خواهد کرد، از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. نمونه‌هایی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مفید این معناست، چنین است:

علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «المهدیّ منّا أهل البيت» (ابن ماجه، کتاب الفتن، باب ۳۴؛ ابن حنبل، ۱/۸۴؛ ابوداود، کتاب المهدی؛ حاکم نیشابوری، ۴/۵۵۷).

ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: «المهدیّ منّی...» (همان).
ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «المهدیّ من عترتی من ولد فاطمة» (سیوطی، الدرّ المنثور، ۶/۵۸؛ ابوداود، کتاب المهدی).

چنان که می‌بینید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث یاد شده مهدی علیه السلام را از اهل بیت خود به شمار آورده‌اند، حال آنکه مهدی علیه السلام نه تنها در آن زمان وجود نداشت، بلکه تا زمان تولد وی، حدود دویست و پنجاه سال باقی مانده بود.

همچنین دانشمندان فریقین، روایاتی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که بر طبق آنها، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعداد جانشینان خود و خلفای امت اسلامی را دوازده تن معرفی کرده و برای آنان اوصافی برشمرده‌اند که مجموع آن اوصاف، جز بر امامان دوازده‌گانه تشیع، بر کس دیگری تطبیق پذیر نیست. نمونه‌ای از نقلهای روایات مورد نظر چنین است: مسلم در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود:

لا يزال الدين قائماً حتى تقوم الساعة أو يكون عليكم اثنا عشر خليفة كلهم من قريش (مسلم، کتاب اماره، باب ۱)؛ همواره دین خدا استوار و پابرجاست تا آنکه قیامت به پا شود یا دوازده نفر خلیفه برای شما وجود داشته باشند که همگی آنان از قریش‌اند.

حدیث فوق را بخاری از سه طریق (صحیح، کتاب احکام، باب ۵۱؛ التاریخ الکبیر، ۳/۱۸۵) و ۱۸/۴۱، مسلم از هشت طریق (کتاب اماره، باب ۱)، ابوداود از دو طریق (کتاب المهدی)،

ترمذی از دو طریق (کتاب الفتن، باب ۴۶) و احمد بن حنبل از ۳۲ طریق (۱۰۶/۵)، ذیل احادیث جابر بن سمري نقل کرده‌اند.

ویژگیها و اوصاف امامان در حدیث مذکور

اهمّ ویژگیهای امامان در حدیث مذکور بدین قرار است:

۱. عدد آنان دوازده نفر است: «... اثنا عشر خليفة...».

۲. همگی آنان از قریش‌اند: «... کلّهم من قریش».

۳. این دوازده نفر خلفای کلّ امت‌اند، نه بخشی از امت.

در حدیث جابر بن سمري آمده: «يكون لهذه الأمة اثنا عشر خليفة...» (ابن حنبل،

۱۰۶/۵؛ طبرانی، ۱۹۸/۲؛ متقی هندی، ۳۳/۱۲)

در حدیث ابو جحیفه آمده: «لا يزال أمر أمّتي صالحاً حتى يمضي اثنا عشر خليفة

كلّهم من قریش» (حاکم نیشابوری، ۶۱۸/۳؛ هیثمی، ۱۹۰/۵؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۱۱/۸؛ متقی

هندی، ۳۲/۱۲، ح ۳۳۸۴۹).

در حدیث عبدالله بن مسعود آمده: «إنه سئل كم يملك هذه الأمة من خليفة؟ قال:

اثنا عشر كعدّة نعباء بنی اسرائیل» (ابن حنبل، ۵۵۵/۲؛ حاکم نیشابوری، ۵۰۱/۴؛ هیثمی، ۳۴۴/۵؛ ابن

حجر عسقلانی، ۲۱۱/۱۳؛ البانی، ۷۱۹/۲-۷۲۰).

مسروق^۱ می‌گوید: ما در کوفه نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن

می‌آموخت. مردی از او پرسید: ای اباعبدالرحمان! آیا شما [اصحاب پیامبر ﷺ] از آن

حضرت پرسیدید که این امت چند نفر خلیفه خواهند داشت؟ عبدالله در پاسخ گفت:

از هنگامی که به عراق آمده‌ام، تو نخستین کسی هستی که از من چنین پرسشی

می‌کنی. آنگاه افزود: آری، ما از رسول خدا ﷺ این سؤال را پرسیدیم و آن

حضرت در پاسخ فرمود: «دوازده تن خواهند بود به تعداد نقبای بنی اسرائیل» (همان).

چنان که می‌بینید، در همه این روایات سخن از این است که این دوازده نفر، خلفای

«امت»‌اند و واژه «امت»، همه پیروان پیامبر اکرم ﷺ را تا قیامت شامل می‌شود و

به هیچ وجه نمی‌توان واژه «امت» را به مسلمانان قرن اول یا دوم هجری اختصاص

۱. وی از بزرگان تابعان است.

داد.

۴. دوران خلافت اینان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ آغاز می‌شود: «یکون من بعدی اثنا عشر امیراً (خلیفه) کلهم من قریش» (ترمذی، کتاب فتن، باب ۴۶؛ طبرانی، ۲/۲۱۴؛ ابن حنبل، ۹۹/۵).

وقتی به گذشته امت اسلامی می‌نگریم، جز امامان اهل بیت پیامبر ﷺ گروهی را نمی‌یابیم که تعداد آنان دوازده نفر، همگی از قریش، خلفای کل امت اسلامی، و آغاز خلافتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ باشد و جهان هیچ‌گاه از وجود یکی از آنان خالی نباشد.

دانشمندان اهل سنت در توجیه احادیث فوق کوشیده‌اند تا با گزینش جمعی از حاکمان اموی و عباسی و انضمام آنان به خلفای راشدین، دوازده نفر مذکور در روایات فوق را تعیین کرده و آنان را مصداق آن روایات قرار دهند.

قاضی عیاض و ابن حجر می‌گویند: خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ عبارت‌اند از: ۱. ابوبکر؛ ۲. عمر؛ ۳. عثمان؛ ۴. علی؛ ۵. معاویه؛ ۶. یزید؛ ۷. عبدالملک ابن مروان؛ ۸. ولید بن عبدالملک؛ ۹. سلیمان بن عبدالملک؛ ۱۰. یزید بن عبدالملک؛ ۱۱. هشام بن عبدالملک و ۱۲. ولید بن یزید بن عبدالملک (ابن حجر عسقلانی، ۱۳/۲۱۴).

سیوطی می‌نویسد: هشت تن از خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ عبارت‌اند از: ۱. ابوبکر؛ ۲. عمر؛ ۳. عثمان؛ ۴. علی؛ ۵. حسن بن علی؛ ۶. معاویه؛ ۷. عبدالله بن زبیر و ۸. عمر بن عبدالعزیز.

وی آنگاه احتمال داده که دو نفر دیگر از خلفای دوازده گانه، المهتدی و الظاهر از حاکمان عباسی باشند؛ چون این دو به عقیده سیوطی، افراد عادلی بوده‌اند! وی سپس می‌افزاید: «و اما دو نفر دیگر باقی مانده‌اند که باید منتظر آنان بمانیم؛ یکی از آن دو، «مهتدی» که از اهل بیت پیامبر ﷺ است» (تاریخ الخلفاء، ۱۰-۱۲).

سیوطی نفر دوم را مسکوت گذاشته و از وی نام نمی‌برد. بدین سان می‌بینیم که دانشمند پرآوازه‌ای مانند سیوطی، تنها توانسته به گمان خود، نام یازده نفر از خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ را آن هم بر اساس حدس و گمان مشخص کند و از

تعیین نفر دوازدهم عاجز مانده است.

باید گفت: این توجیهاات به دلایلی پذیرفته نیست؛ از جمله:

۱. خلفای راشدین نمی‌توانند مصداق احادیث فوق باشند؛ چون:

اولاً عدد آنها کمتر از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کلّ امت نیستند؛ زیرا دوران خلافتشان حدود سی سال بیشتر ادامه یافته است.

۲. حاکمان اموی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث باشند؛ زیرا:

اولاً عددشان بیشتر از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کلّ امت نیستند، بلکه دوران حکومت آنان در اوایل قرن دوم هجری

(سال ۱۳۲ق.) پایان یافته است.

ثالثاً تقریباً همه آنان، افرادی فاسق و ستمگر بوده‌اند (ابن حجر هیثمی، الصواعق

المحرقة، ۲۱۹) و زندگی آنان به زندگی پیامبر ﷺ هیچ شباهتی نداشته است تا بتوان

آنان را جانشین پیامبر ﷺ دانست.

رابعاً حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ نبوده است.

۳. حاکمان عباسی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث خلفای اثناعشر باشند؛ زیرا:

اولاً عدد آنان بیش از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کلّ امت نبوده‌اند، بلکه حکومت آنان در سال ۱۳۲ ه. آغاز شده و

در اواسط قرن هفتم هجری با سقوط بغداد پایان یافته است.^۱

ثالثاً تقریباً همه آنان افرادی ظالم، ستمگر و بی‌دین بوده‌اند (حنفی قندوزی، ۲/۵۳۵) و

زندگی و عملکرد آنان به زندگی و عملکرد رسول خدا ﷺ هیچ شباهتی نداشته

است.

رابعاً حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ نبوده است.

افزون بر مباحث گذشته، چنان‌که دیدیم، اکثر کسانی که دانشمندان اهل سنت

آنان را به عنوان مصداق احادیث خلفای اثناعشر برگزیده‌اند، حاکمان اموی‌اند و

۱. بخشی از آنان نیز تا قرن نهم هجری در مصر حکومت داشته‌اند.

اینان کسانی‌اند که پیامبر ﷺ آنان را لعن و نفرین کرده است (شوکانی، ۳/۲۴۰؛ ابن حنبل، ۳/۵؛ هبثمی، ۱/۳۰۸ و ۵/۴۳۵؛ قرطبی، ۱۰/۲۸۶).

همچنین حافظان اهل سنت از پیامبر ﷺ احادیث صحیحی را نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد، در هر عصری برای مردم آن عصر، امامی هست و مسلمانان وظیفه دارند، آن امام را بشناسند و بیعت او را بر گردن نهند. عظمت این امام به اندازه‌ای است که هر کس بمیرد و او را نشناسد و در بیعت او قرار نداشته باشد، مرگش، مرگ جاهلی است.

در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» (مسلم، کتاب اماره، ح ۵۸؛ بیهقی، ۱۵۶/۸؛ البانی، ۲/۷۱۵؛ ابن حنبل، ۴/۹۶). همچنین از آن حضرت نقل شده که فرمود: «من مات بغير امام، مات میتة جاهلیة» (ابوداود طیالسی، ۲۵۹؛ ابن حنبل، ۳/۴۴۶؛ بخاری، تاریخ الكبير، ۶/۴۴۵) و نیز فرمود: «من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» (نفتازانی، ۵/۲۳۹).

احادیث دیگری از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «لا يزال هذا الأمر فی قریش ما بقی من الناس اثنان» (مسلم، کتاب اماره، باب ۱؛ بخاری، صحیح، ۴/۲۱۸ و ۹/۷۸) همواره امر خلافت در میان قریش است تا آنگاه که دو نفر انسان در جهان باقی باشند.^۱

احادیث دسته نخست می‌گفت: در هر زمانی امامی وجود دارد که مردم وظیفه دارند او را بشناسند، و در بیعت او قرار داشته باشند. و حدیث دسته دوم می‌گفت: آن امام باید از تبار قریش باشد. بر اساس این، وظیفه امت اسلامی این است که پس از پیامبر اکرم ﷺ تا قیامت، در هر زمانی، در بیعت امامی باشند که از تبار قریش و از دودمان پیامبر اکرم ﷺ باشد. حال آنکه این معنا، به هیچ وجه با توجهات دانشمندان اهل سنت درباره احادیث تعداد خلفای پس از پیامبر ﷺ سازگار نیست؛ چرا که امروز، اهل سنت فاقد چنین خلیفه‌ای می‌باشند، در حالی که باید همواره از وجود چنین امام و خلیفه‌ای برخوردار باشند.

آری، مجموع این احادیث، مؤید دیدگاه دانشمندان شیعه امامیه درباره امامان و

۱. با این مضمون احادیث فراوان دیگری نیز وجود دارد.

خلفای دوازده گانه پیامبر ﷺ است. دانشمندان شیعه معتقدند مصداق احادیث خلفای پیامبر ﷺ، امامانی هستند که همگی آنان از اهل بیت پیامبر ﷺ می باشند و خلافت آنان نیز لزوماً به معنای حکومت ظاهری نیست، بلکه به معنای حقی الهی و استحقاقی است که از جانب خدا و به واسطه پیامبر ﷺ به آنان اعطا شده است. نخستین فرد این سلسله، علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان، مهدی موعود علیه السلام است که از عمری غیر متعارف و طولانی برخوردار است، به گونه ای که جهان هیچ گاه از وجود یکی از آنان خالی نبوده و نخواهد بود.

تردیدی نیست که بشارت پیامبر ﷺ به آمدن دوازده خلیفه پس از وی، سخنی عادی نیست، بلکه بشارتی الهی و ابلاغ شده از سوی خداوند است؛ چرا که آن حضرت، هیچ گاه از پیش خود سخن نمی گوید و سخن او چیزی جز وحی الهی نیست (نجم/ ۵)، به ویژه درباره موضوع مهمی مانند جانشینان خود و رهبران امت اسلامی.

حال که بشارت، بشارتی الهی و بشارت دهنده، پیامبر خداست، باید مصادیق بشارت نیز الهی باشد و تعیین آنان به اذن خدا و به واسطه پیامبر ﷺ صورت گیرد؛ چرا که با این ویژگیها، معنا ندارد تعیین مصادیق بشارت، آن هم درباره چنین مسئله مهمی، به دانشمندان دربار حاکمان اموی و عباسی سپرده شود تا بر اساس ذوق، سلیقه و گرایش های فکری خود، در این باره تصمیم بگیرند و هر کسی، عده ای را به عنوان مصداق این بشارت معرفی کند و حاصل انتخاب آنان، این باشد که عده ای از عناصر شیطانی از بنی امیه و بنی عباس به عنوان جانشینان رسول خدا ﷺ تعیین و معرفی شوند.

افزون بر مباحث گذشته، دانشمندان شیعه و شماری از دانشمندان اهل سنت، احادیثی از رسول خدا ﷺ نقل کرده اند که به صراحت نشان می دهد همه امامان شیعه، جزء اهل بیت پیامبرند. این احادیث، در تفاسیر روایی شیعه، مانند نور الثقلین، تفسیر قمی و... در ذیل آیه تطهیر و آیه اولی الامر (نساء/ ۵۹) و یا در کتابهایی مانند کافی، کفای الاثر، فرائد السمطين، ینابیع الموده و... مضبوط است.

- ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، دار الفکر، بی تا.
- ابن عساکر، تهذیب تاریخ دمشق، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن کثیر دمشقی، *تفسیر القرآن العظیم*، چاپ دوم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۷ ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، *سنن ابن ماجه*، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابو داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، *سنن ابی داود*، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق - ۱۹۹۰ م.
- ابو داود طبالیسی، *مسند ابی داود الطیالسی*، بیروت، دار الحدیث، بی تا.
- اصفهانی، ابونعیم، *حلی الاولیاء*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- البانی، محمد ناصر الدین، *سلسلی الصحیحہ*، ریاض، نشر دار المعارف، بی تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *التاریخ الکبیر*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- همو، صحیح بخاری، بیروت، دار الجیل، بی تا.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، *السنن الکبری*، تحقیق یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۳ ه.
- تفتازانی، سعدالدین، *شرح المقاصد*، قم، چاپ رضی، بی تا.
- جوینی، محمد بن ابراهیم، *فرائد السمطین*، بیروت، مؤسسه محمودی للطباعة و النشر، ۱۴۰۰ ق.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل*، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الکتب العربی و دار الکتب العلمیه، بی تا.
- حنفی قندوزی، شیخ سلیمان، *ینابیع المودّه*، قم، چاپ رضی، ۱۴۱۳ ق.
- خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- ذهبی، شمس الدین، *تلخیص المستدرک*، ذیل مستدرک حاکم، دار الکتب العربی، بی تا.
- رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، *مفردات الفاظ القرآن*، قم، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- سیوطی، جلال الدین، *الدرّ المشثور فی تفسیر المأثور*، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
- همو، *تاریخ الخلفاء*، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۶ ق.
- شافعی، محمد بن ادیس، *دیوان امام شافعی*، گردآوری محمد عبدالرحیم، دار الفکر، بی تا.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، *فتح القدر*، بیروت، دار المعرفه للطباعة و النشر، بی تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، بی تا، بی جا، بی تا.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۷ ق.
- طحاوی، ابوجعفر، *مشکل الآثار*، چاپ اول، بیروت، دار صادر، ۱۳۳۳ ه.
- عسقلانی، ابن حجر، *فتح الباری*، تحقیق محب الدین خطیب، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- قرطبی، احمد بن محمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۶ م.
- قریشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ق.
- متقی هندی، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، چاپ سلفیه.

- محمد بيومي مهران، الامامي و اهل البيت، مصر، دار النهضة العربية، ١٩٩٥ م.
- مسلم بن حجاج قشيري نيشابوري، الجامع الصحيح، بيروت، دار الفكر، ١٣٩٨ ق.
- موحد ابطحي، سيد علي، آبي التطهير في احاديث القرينين، قم، ١٤٠٤ ق.
- هيثمي مكى، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، چاپ مصر، بي تا.
- هيثمي، نورالدين على بن ابى بكر، معجم الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ ق.